

تحلیل فرهنگ استراتژیک روسیه و ایران در برقراری روابط استراتژیک ۲۰۱۸-۲۰۰۰

علیرضا رستم آقایی^۱ - عبدالعلی قوام^۲ - احمد نقیب زاده^۳ - کیهان برزگر^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۹

چکیده:

مفهوم فرهنگ استراتژیک ریشه‌های سازه انگاری دارد؛ از طرف دیگر ضربه‌ای به "تئوری انتخاب منطقی" وارد می‌کند. سوالی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که تا چه میزان امکان برقراری روابط استراتژیک میان دو کشور وجود دارد، این پژوهش با استفاده از رویکرد سازه‌گرایانه، برای درک عناصر سازنده فرهنگ استراتژیک روسیه و ایران، به بررسی پتانسیل روابط راهبردی میان تهران و مسکو می‌پردازد. این مقاله استدلال می‌کند که با توجه به ویژگی‌های فرهنگ استراتژیک روسیه که مبتنی بر قدرت سخت است، نه تنها پتانسیل اندکی برای برقراری روابط راهبردی میان دو کشور وجود دارد بلکه دو کشور در بسیاری از حوزه‌ها مانند آسیای مرکزی قفقاز دریای کاسپین و حوزه انرژی با هم رقابت دارند. در این پژوهش از منابع الکترونیک و نوشتاری استفاده شده است. پژوهش حاضر ماهیت توصیفی دارد و اطلاعات به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: ایران، روابط راهبردی، روسیه، فرهنگ استراتژیک

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

JPIR-2102-1769

^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ - استاد روابط بین‌الملل، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران: نویسنده مسئول
s_a_glavam@hotmail.com

^۳ - استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران

^۴ - دانشیار روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

اگر بخواهیم ریشه‌های فکری و نظری مفهوم فرهنگی استراتژیک را در نظریات مختلف روابط بین‌الملل بررسی نماییم، متوجه خواهیم شد که هر چند در نظریات مختلف روابط بین‌الملل تا اندازه‌ای به موضوع فرهنگی توجه شده است، با این حال، مفهوم فرهنگ استراتژیک و نظریه‌ی سازه‌انگاری در هم تنیدگی بسیاری دارند. این نظریه از این لحاظ حائز اهمیت است که به انگاره‌های ذهنی و هنجاری در کنار انگاره‌های مادی توجه ویژه‌ای را معطوف می‌سازد. به عبارت دیگر در اغلب نظریه‌های اصلی حوزه روابط بین‌الملل برای موضوع فرهنگ به طور عام و فرهنگی استراتژیک به طور خاص نقش ثانویه و کم‌اهمیتی قائل گردیده‌اند و در برخی از نظریه‌های رادیکال نیز که این موضوع اهمیت بیشتری می‌یابد، به عوامل مادی در شکل‌دهی به رفتار خارجی کشورها اهمیت کمتری داده می‌شود، اما نظریه‌ی سازه‌انگاری، نظریه‌ای است که با رویکرد میانه‌ای تلاش دارد در جایگاه میانه‌ای ما بین نظریات خردگرایانه و پساساختار-گرایانه قرار گیرد. لذا توجه خود را به عوامل ذهنی و هنجاری و به طور کلی بر عوامل فرهنگی در کنار عوامل مادی معطوف می‌سازد و از این رهگذر تلاش دارد رفتار کشورها را در عرصه‌ی سیاست خارجی تبیین نماید. (ولدانی، ۱۳۹۳)

اهمیت فزاینده فرهنگ در تحلیل مسایل سیاسی باعث شد موضوع فرهنگ راهبردی نیز بیشتر مورد توجه قرار گیرد. روابط ایران و روسیه به دلیل موقعیت ویژه که هریک از دو کشور در عرصه سیاست بین‌الملل دارند از سوی محافل داخلی و بین‌المللی مورد توجه بوده است. عوامل تاثیرگذار بر روابط دو کشور بسیار زیادند؛ از جمله ژئوپلیتیک ژئواکونومیک انرژی و انتقال توانایی‌های نظامی تاثیرات منطقه‌ای حوزه نفوذ طرفین در آسیای مرکزی و قفقاز همچنین عامل نیروی سوم همواره از عوامل تاثیرگذار در روابط دو کشور بوده است. از طرفی پس از فروپاشی شوروی و پیگیری سیاست‌های یکجانبه از سوی ایالات متحده هر دو کشور مخالف یکجانبه-گرایی هستند و باعث نزدیک شدن دو کشور به هم گردیده تا جایی که همکاری علیه ایالات متحده باعث این شده گروه‌هایی چه در داخل روسیه و به‌ویژه در ایران از این همکاری‌ها و ارتباطات به همکاری استراتژیک تعبیر کنند.

در این پژوهش با بررسی و مقایسه فرهنگ راهبردی ایران و روسیه استدلال می‌شود روسیه به علت داشتن فرهنگ استراتژیک تهاجمی که متغییری تعیین کننده است و می‌تواند نقش توانایی‌های مادی را در توسل به اجبار و زور از جانب این کشور را به خوبی تبیین کند در حوزه‌های مشترک با ایران یعنی آسیای مرکزی قفقاز مسایل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی،

از پتانسیل اندکی برای تبدیل شدن به متحد راهبردی برای ایران است.

پیشینه تحقیق

در خصوص روابط ایران و روسیه کتاب‌ها و مقالات متعددی انجام شده و هر کدام از آن‌ها زاویه‌ای متمایز به این موضوع پرداخته‌اند که در ادامه به چند اثر برجسته آن اشاره خواهد شد. کتاب چشم انداز روابط ایران روسیه از انتشارات ابرار معاصر (۱۳۹۴) تشکیل شده از چندین مقاله، البته به علت وجود چندین نویسنده دیدگاهی منسجم که یک خط فکری را دنبال کند ندارد. به‌طور کلی کتاب همانطور که اشاره شد به‌دلیل اینکه از چندین مقاله تشکیل شده دارای دیدگاهی منسجم در خصوص موضوع نیست این باعث شده دارای وزن مناسبی برای تشریح موضوع نباشد در مقاله دوم به‌طور نمونه نویسنده سعی کرده از منظر مکتب نورثالیسم روابط ایران روسیه را بررسی کند که باید گفت این دیدگاه با توجه صرف به مسایل مادی و برون اجتماعی فرض کردن منافع واحدها علی‌رغم ظاهر زیبا از توانایی اندکی جهت تشریح این رابطه برخوردار است. کتاب جمهوری اسلامی ایران در ادراک‌های رهبران روسیه الهه کولایی، عفیفه عابدی (۱۳۹۷)، نویسندگان اعتقاد دارند علی‌رغم برداشت عمومی مبنی بر رابطه حسنه روسیه و ایران، این ارتباط از پیچیده‌گی‌های فراوانی برخوردار است و به‌دلیل تاریخ پر فراز و نشیب، توأم با بدبینی می‌باشد. اما با این تفاسیر مسکو همراه دارای جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی تهران بوده حتی اشاره می‌کند بر برخی برهه‌های تاریخی با وجود تنش‌زدایی با غرب این جایگاه ویژه همچنان حفظ شده و حتی نوعی ثبات نسبی در رابطه ۴۰ ساله طرفین وجود دارد. نویسنده ضمن بررسی اجمالی تاریخ روابط دو کشور از فروپاشی شوروی تاکنون نتیجه می‌گیرد روسیه از مهمترین همکاران سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. از مهمترین موضوعات گسترش روابط دو کشور است؛ عامل مقابله با نفوذ آمریکا در مناطق پیرامون از آسیای مرکزی تا خاورمیانه است با وجود پاره‌ای از تفاوت‌ها، چشم‌انداز روابط دو کشور را متأثر از عوامل گوناگون می‌داند که طرفین باید بر آن چیره شوند از جمله عامل غرب. در مقاله ایران و روسیه در گذر تاریخ محیط امنیتی و مسأله تهدید و اتحاد، جهانگیر کرمی (۱۳۹۷) نگارنده با نگاهی تاریخی به روابط دو کشور و استفاده از دیدگاه واقع‌گرایی، به بررسی روابط دوجانبه دو کشور از آغاز، صفویان تا دوران معاصر پرداخته است. نویسنده اعتقاد دارد که در گذشته عامل جغرافیای سیاسی در روابط دو کشور بسیار تاثیرگذار بوده و اعتقاد دارد با متحول شده این محیط، می‌توان امیدوار به بهبود روابط دو کشور بود. مقاله دلایل عدم شکل‌گیری اتحاد استراتژیک میان ایران و روسیه، دولت آبادی (۱۳۹۸) نیز به بررسی روابط دو جانبه ایران و روسیه پرداخته و همانطور

که از عنوان مقاله پیدا است با استفاده از نظریه واقع‌گرایی، نسبت به برقراری رابطه استراتژیک میان ایران و روسیه ابراز تردید کرده است. اکثر پژوهش‌های صورت گرفته با الهام از واقع‌گرایی و نوواقعگرایی به بررسی روابط دو جانبه دو کشور پرداخته‌اند. نگرش نوواقعگرایی با عطف توجه به گذشته، تحلیل خود را محدود به محاسبه مورد انتظار از عملکرد واحد معطوف می‌سازد. پارادایم نوواقعگرایی، بر اساس این پیش‌فرض استوار است که دولت‌ها از لحاظ کارکردی متفاوت نیستند و به دنبال به حداکثر رساندن سودمندی خود می‌باشند. معمولاً این سودمندی را به صورت کاملاً ساده‌ای از قدرت - و اغلب در چارچوب توانمندی‌ها و منابع - تعریف می‌کنند. بنابراین، دولت‌ها توانمندی‌ها را ایجاد و توسعه خواهند داد و به همان‌سان، از فرصت‌های موجود استفاده خواهند نمود. انتخاب‌های استراتژیک، میل به حداکثر دارند و تنها و عمدتاً به واسطه متغیر-هایی چون جغرافیا، توانمندی، تهدید و تمایل دولت‌ها برای اجتناب از رفتاری که می‌تواند بقای دولت‌های دیگر را مورد تهدید فوری قرار دهد، محدود می‌شوند. در این پژوهش سعی شده با استفاده از رویکردی نو به روابط دوجانبه ایران و روسیه پرداخته شود.

چارچوب نظری

- سازه‌انگاری:

سازه‌انگاری به عنوان یک فرانظریه بر آن است که با رفع نقاط ضعف نظریه‌های گوناگون تصویر واقعی‌تر و علمی‌تری از الگوهای رفتار و سیاست بین‌الملل ارائه دهد. آنچه در باب این نظریه مهم جلوه می‌کند آن است که این رویکرد صرفاً بر شرایط و نیروهای مادی بسنده نمی‌کند، بلکه بر اهمیت انگاره‌ها، قواعد و هنجارها نیز صحنه می‌گذارد. (قوام، ۱۳۸۶: ۲۲۲) سازه‌انگاری از طریق رهیافت سیاست هویت تلاش می‌کند چگونگی نقش و تأثیر اجتماعات بین‌الذهانی مانند ناسیونالیسم، قومیت، مذهب، فرهنگ، جنسیت و نژاد در سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی را توضیح دهد. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۱: ۴۳) اولین گزاره اصلی دیدگاه سازنده‌گرایانه فرهنگ استراتژیک این است که برخلاف تحلیل‌های مادی‌گرایانه از ایده‌های امنیتی بین‌المللی در قالب هنجارهایی مانند آنچه فرهنگ استراتژیک را تشکیل می‌دهند منافع را ایجاد و تعریف می‌کنند. این همان کارآفرینان عادی است که ائتلافی از حمایت را ایجاد می‌کند که از انتشار هنجارهای پیشنهادی جدید حمایت می‌کند. با توجه به منشأ فرمول و پویایی این هنجارها از نظر این محققان، عوامل فکری و نه مادی، سیاست‌های خاص امنیت ملی را توضیح می‌دهند.

به طور خاص منافع امنیتی توسط بازیگرانی که به عوامل فرهنگی پاسخ می‌دهند، تعریف

می‌شوند. مناسب بودن در مقابل منطق عواقب؛ قبل از اینکه مردم بتوانند مزایا را به حداکثر برسانند و هزینه‌ها را به حداقل برسانند، ابتدا باید بدانند که چه چیزی می‌خواهند یا اینکه فکر می‌کنند باید چه کاری انجام دهند که ساختارهای اجتماعی را تشکیل می‌دهد، ابزار مناسب برای دستیابی به منافع و تعیین اهداف را تعیین می‌کند. در نتیجه متغیرهای مستقل مرتبط با علایقی مانند برداشت نئورئالیستی از آنارشی در واقع متغیرهای وابسته‌ای هستند که می‌توانند ایجاد شوند و متغیرهایی را نشان دهند که ظهور هنجارهای جدید فرهنگی استراتژیک را جایگزین می‌کنند. ایده‌های فرهنگ استراتژیک بیان شده در هنجارها نقش اصلی را در نتایج امنیت ملی برای سازه‌گرایان عاملی است که به نظر آنها در تحلیل‌های مبتنی بر علاقه مانند تحلیلگران نئورئالیست نادیده گرفته می‌شود. (Lauterbach, 2011)

- فرهنگ استراتژیک

اساساً در سال ۱۹۷۷ بود که جک اسنایدر به طور رسمی نظریه فرهنگ استراتژیک را مطرح کرد تا اهمیت مفهوم فرهنگ سیاسی را در دامنه مطالعات امنیتی معاصر تأکید کند. در اصل او تلاش کرد تا نشان دهد که در نتیجه روند جامعه‌پذیری، مجموعه خاصی از سیستم اعتقادی و الگوی رفتاری به وجود می‌آید که پایه سیاست را به جای سیاست صرف در نظر می‌گیرد. (Sny-der, 1997) با تکیه بر این جنبه، پیشترگری^۱ اصطلاح فرهنگ استراتژیک را درک می‌کند تا به معنای روند تفکر و همچنین اقدام در رابطه با استفاده از زور است که از برداشت خاص در مورد تجارب تاریخی ملی الهام می‌گیرد و با توجه به آنچه که نگرش مسئولانه در سطح ملی را تشکیل می‌دهد. (Gray, 1981) تعریف کری لانگورست^۲ از فرهنگ استراتژیک به ویژه برای سازنده‌گرایان بسیار مفید است؛ مجموعه‌ای متمایز از عقاید و رویه‌های اعتقادی در مورد استفاده از زور که توسط یک گروه [معمولاً یک ملت] نگهداری می‌شود و به تدریج و با گذشت زمان و از طریق یک روند طولانی تاریخی منحصر به فرد بوجود می‌آید. (Longhurst, 2004)

نگرش استفان روزن^۳ نیز بسیار شبیه اسنایدر است. از نظر وی، فرهنگ استراتژیک حاصل «باورها و ایستارهای مشترکی است که به گزینه افراد یک جامعه نسبت به رفتار نظامی بین-المللی به ویژه به تصمیمات مربوط به جنگ با الویت‌های تدافعی، توسعه طلبی و تهاجمی کشورها شکل می‌دهد». اما الاستیر جانستون^۴، رویکرد کاملاً نوینی به مفهوم فرهنگ استراتژیک

^۱-Gray

^۲-longhurst

^۳-Stephen Rosen

^۴-Alastair Johnston

دارد. برخلاف بافت عینیت‌گرایی رئالیسم، جانستون، فرهنگ استراتژیک را محیط ایده‌انگارانه-ای که تعیین‌کننده گزینه‌های رفتاری است، توصیف می‌کند. این محیط، برگرفته از پیش‌فرض‌ها و قوانینی است که به قلمرو ادراکی افراد و گروه‌ها از روابطشان با سپهرهای اجتماعی، سازمانی یا سیاسی شکل می‌دهد. (قوام، ۱۳۹۳: ۵۰۹)

بنابراین طراحی تحقیقاتی که به عنوان مثال بر فرهنگ استراتژیک روسیه متمرکز است، باید با یک زمینه‌ای عمیق آغاز شود که بتواند چگونگی ارتباط ویژگی‌های جغرافیایی روسیه با تحولات تاریخی آن را توضیح دهد، چگونه اینها به عنوان توضیحاتی برای ویژگی‌های سیاسی و اقتصادی عمل می‌کنند که پس از آن یک ذهنیت خاص در بین مردم و مردم ایجاد می‌شود. نخبگان به طور یکسان مسئول درک‌های خاص در استفاده از نیروهای نظامی هستند. سپس نظریه پرداز از متغیرهای ظهور شده از هر سطح به عنوان شناسه‌های ملی استفاده می‌کند که همه آنها می‌توانند به عنوان توضیحات جداگانه برای یک زمینه فرهنگی که زمینه را برای علاقه و انتخاب سیاست فراهم می‌کند، باشد. (Poore S. 2004)

فرهنگ استراتژیک روسیه

فرهنگ استراتژیک روسیه همیشه مبتنی بر ایده قدرت سخت است که با یک رویکرد خاص به مینهن‌پرستی و تجلیل از تاریخ و همچنین ایده آل سازی و اسطوره‌سازی رسالت جامعه روسیه در جهان در گسترش ارزش‌های کلیسای ارتدکس مرتبط است. سیاست خارجی روسیه معاصر باید با توجه به میراث محافظه کارانه و همچنین دیدگاه‌های فلسفی و سیاسی نیکولای بردیایف^۱، ولادیمیر سولوویوف^۲ و ایوان ایلین^۳ درک شود. (Ivić 2016) جاه‌طلبی‌های امپراتوری روسیه ممکن است ماهیت قرن نوزدهم داشته باشد اما تبلیغات یکی از مهمترین ابزارهای قدرت نرم است که در واقع توسط روسیه و یک دستکش مخملی دوباره به عنوان یک قدرت سخت تعریف می‌شود. (Van Herpen 2015) سنت‌های باستانی، یعنی امپریالیستی/سلطنت طلب و اتحاد جماهیر شوروی که هر دو پیوند بین عظمت ملی و اقتدارگرایی را ایجاد می‌کنند، به عنوان یک مرجع مهم هستی‌شناختی پایدار و حفظ احساس ناسیونالیستی استثنائی در بین بخش‌های محافظه کار جامعه روسیه ظاهر شدند. در این زمینه، قوانین حافظه روسی را می‌توان اقدامات اضطراری دانست که سیاست عادی را به حالت تعلیق درآورد و نشانه‌ای از تضمین

^۱-Nikolai Berdyaev

^۲-Vladimir Solovyov

^۳-ivan ilyin

هویت است که به نوبه خود "خطر درگیر شدن در نقش‌های قدیمی و ضد تولید در سیاست-های بین‌المللی" را به وجود می‌آورد. (Malksoo 2015)

فرهنگ استراتژیک سنتی روسیه - فرهنگ امپریالیستی روسیه از زمان ظهور به عنوان یک کشور در اواسط هزاره گذشته از طریق بیشتر موجودیت اتحاد جماهیر شوروی تا اواخر دهه ۱۹۸۰ - یکی از نظامی‌ترین فرهنگ‌های اینچینی در تاریخ بوده است. (Ermarth, 2009) از دیگر مشخصات این فرهنگ وحشت از تهاجم بیگانه است. این مساله بر اهداف روسیه برای نوسازی نیروهای نظامی این کشور تاثیر گذاشته است و از سوی دیگر اقتصاد و سیستم سیاسی روسیه در جهت تقویت دولت می‌باشد. (Eitelhuber, 2009: 4)

تاریخ روسیه و همچنین سنت‌های مربوط به کلیسای ارتدکس نقش مهمی در شکل‌گیری فرهنگ استراتژیک دارند. اول از همه برای مدت طولانی فرهنگ استراتژیک روسیه بر اساس وضعیت قدرت بزرگ ساخته شده بود. (Cassidy 2003)

ساختار تصمیم‌گیری در عرصه سیاست خارجی فدراسیون روسیه

فرهنگ سیاست خارجی روسیه به‌عنوان شکل دهنده فرهنگ استراتژیک، بازتابی از فرهنگ سیاسی حاکم بر آن کشور بوده است. منظور از فرهنگ سیاست خارجی آن است که در فرهنگ روسی، جهان اساساً چگونه نگریسته و ادراک می‌شود. در این فرهنگ، همواره این نگرش پایدار نسبت به دولت‌ها یا کنشگران خارجی وجود داشته که آنها یا دشمن هستند یا پیرو یا متحدان موقت؛ در واقع رویکردی کاملاً رئالیستی. همچنین در دو فرهنگ سیاسی و سیاست خارجی روسیه، نوعی عنصر رهایی بخشی وجود داشته است. (قوام، ۱۳۹۳: ۵۰۹-۵۱۲)

اسکاک^۱ استدلال کرده است که نخبگان نظامی و سایر اعضای دستگاه‌های امنیتی، که در حال حاضر بر سیاست‌گذاری امنیتی روسیه مسلط هستند، نگرش‌ها و ارزش‌های فرایندی را که در شوروی رواج داشت را دنبال می‌کنند. در استدلال اسکاک، سرویس‌های مخفی روسیه و "آژانس‌های قدرت" مرتبط با آن در واقع بازیگران مستقلی در فدراسیون روسیه هستند و اعتقاد دارد از پریماکف تا پوتین همه تربیت شده مکتب چکیستی سازمان امنیت سابق روسیه هستند. (skak, 2016) در یک مفهوم کلی، روسیه تحت تاثیر فرهنگ استراتژیک خود خواستار آن است که جایگاه حقیقی خود را رسیدن به جایگاه قدرت بزرگ به دست آورد. از این‌رو است که روس‌ها برای مفصل بندی گفتمان سیاست خارجی خود انگاره و اندیشه قدرت بزرگ را

¹-skak

نقطه کنونی قرار داده است. بر این اساس فرهنگ استراتژیک تدافعی با داشتن عناصری همانند گفتمان ملی‌گرایی روس و هویت اسلاو - ارتدوکس، اقتدارگرایی و تصمیم‌گیری متمرکز و تصور تهدید و نگاه توسعه طلبانه نسبت به حوزه ژئوپلیتیک اتحاد جماهیر شوروی و قائل شدن سه حلقه امنیتی برای خود (فدراسیون روسیه، جمهوری‌های خودمختار، کشورهای مستقل مشترک المنافع)، هر کدام به عنوان فضاهای گفتمانی عمل نموده‌اند تا گفتمان سیاست خارجی فدراسیون روسیه در دوران پوتین به یک گفتمان عمل‌گرایانه مبدل گردد که نقطه مرکزی آن، آنچنان که گفته شد اندیشه قدرت بزرگی و تبدیل شدن به یک هژمون منطقه‌ای است. (Tesygankov, 2019)

فرهنگ استراتژیک ایران

فرهنگ راهبردی، برابندی از عوامل گوناگون از جمله پیشینه تاریخی است. ج.ا. ایران نیز با توجه به سابقه تمدنی خود دارای مجموعه‌ای از تجربه‌های تاریخی دیرینه است که آنها نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری فرهنگی راهبردی ایرانیان داشته‌اند. از این‌رو برخی معتقدند فرهنگ راهبردی ایران متأثر از ۳۰۰۰ سال تمدن فارسی است که گاهی با احساس برتری فرهنگی آمیخته می‌شود این ویژگی تاریخی، نشان از ریشه دار بودن هویت ایرانی دارد که با نوعی اعتماد به نفس و غرور ملی، آمیخته شده است. (عسگری، ۱۳۹۷) جمهوری اسلامی ایران دارای یک فرهنگ استراتژیک است که تلاقی تاریخ و ایدئولوژی، دین و مدرنیته است. سه دسته اصلی تأثیرات وجود دارد که تصمیم‌گیری در ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اولاً، تجارب تاریخی و معاصر سهم عمده‌ای در شکل‌گیری، حمایت و ترویج ایده‌های امنیت ملی دارند. این تجارب همزمان با دومین تأثیر اصلی، عوامل مادی و ساختاری مانند جغرافیا، منابع، اقتصاد و ساختارهای سیاسی است که از نظر امنیت ملی فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای ایران فراهم می‌کند. دسته آخر عوامل مفهومی است که شامل: ایدئولوژی، ملی‌گرایی، دین، ادراک تهدید و تصویر از خود است در کل، فرهنگ استراتژیک کنونی و سیاست‌های امنیتی ایران می‌تواند بین ناسیونالیسم ایدئولوژیک و عمل‌گرایی ژئوپلیتیک در حال نوسان باشد. (Findlater, 2020)

مهمترین عوامل شکل دهنده و اثرگذار بر فرهنگ راهبردی ج.ا. ایران شامل مواردی مانند اسلام شیعی، عوامل اقتصادی، حافظه تاریخی، موقعیت جغرافیایی، تجربه جنگ تحمیلی و درک واقعیت‌های بین‌المللی می‌دانند، ضمن اینکه بدبینی به بیگانه، پایداری و مقاومت، بی‌اعتمادی راهبردی، ابهام راهبردی، عملگرایی، خوداتکایی و بازدارندگی، مهمترین محورها و شاخص‌های

فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران هستند. (ترابی و رضایی، ۱۳۹۰) مشیرزاده (۱۳۹۷) پس از انقلاب، بستر سیاسی و ایدئولوژیک نیز به این مجموعه افزوده شده است تا باور به تنها بودن ایران در منطقه و جهان، به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی کشور نمایان شود. احساس ناامنی یکی دیگر از شاخص‌های فرهنگ راهبردی ایران است، اهمیت مفهوم قدرت و استقلال کشور در نقشه بالا که تحت تأثیر منفی توطئه‌های بیگانگان و وابستگی به خارج قرار دارد، نشان دهنده وجود احساس خطر مداوم از خارج از مرزهای کشور است. ژئوپلیتیک بحرانی منطقه، در کنار منابع سرشار ایران و سوابق تاریخی، موجب شیوع ترس دایمی از مورد حمله قرار گرفتن شده و احساس ناامنی را به یکی از مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی ایران تبدیل کرده است. رسالت باوری، فراتر از صرف دفاع و حفظ استقلال کشور، به نظر می‌رسد که فرهنگ راهبردی ایران مبتنی بر وجود رسالتی ملی و اسلامی برای کشور است. به این ترتیب، احساس وجود برنامه‌ای برای آینده که وظیفه اجرای آن به عهده ایران است، جزو ویژگی‌های فرهنگ راهبردی ایران است. (مشیرزاده، کافی، ۱۳۹۷)

روسیکی میر در مقابل ایران

فرهنگ استراتژیک یک تلاش برای ادغام و همگرا نمودن ملاحظات و ادراکات فرهنگی، حافظه تاریخی جمعی و تأثیرات آنها بر تحلیل سیاست‌های امنیتی دولتها و روابط بین‌الملل است. فرهنگ استراتژیک به وسیله بخش‌های سازنده و تکوینی در زمان بحران‌ها شکل می‌گیرد و تحت تأثیر تجارب گذشته می‌باشد. (پیشگامی فرد شیراوند، ۱۳۹۷) روسیه شاهد ظهور اصول فرهنگی هویتی است که به ارزش‌های بومی تعریف شده فرهنگی و اشکال خاص "معنویت" متوسل می‌شوند که نمی‌توانند به ارزش‌های غربی یا لیبرال تقلیل یابد. هویت‌های امنیتی به عنوان هویت‌های "بسته" درک می‌شوند که برای حفظ ثبات خود متکی به (نفی) هستند. (Kazharski, 2019) بدین شکل کشور مفروض ابزاری مفهومی در اختیار دارد تا نسبت به راهبردهای خودی و دشمن به شناخت برسد و در نتیجه راهکارهایی را برای رسیدن به اهداف راهبردی در نظر بگیرد. عناصر فرهنگی نهادی محیط‌های دولت (فرهنگ و هنجارها) منافع ملی دولت و هویت آن را شکل می‌دهد. بنابراین تفاوت در هویت دولت یا تغییر در هویت دولت منافع و هویت امنیتی ملی یا سیاست دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ترکیب بندی هویت دولت ساختارهای هنجاری بین دولتی مانند رژیم‌ها یا جوامع امنیتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ساختارهای محیطی فرهنگ نهادی- هویت- منافع- فرهنگ راهبردی- ادراک سیاست گذاران می‌باشد. (مشیرزاده، کافی، ۱۳۹۷)

فرهنگ استراتژیک ایران و روسیه از مولفه و عناصر متعددی تشکیل و سرچشمه می‌گیرد؛ مهمترین هدف فرهنگ استراتژیک روسیه احیا و بازگشت به گذشته باشکوه خود یعنی ابرقدرت جهانی است؛ امری که با روی کار آمدن ولادمیر پوتین، روسیه با تمام در آن اهتمام ورزیده است و در این راه روسیه مهمترین دگر خود را غرب می‌داند. به تعبیر کاژارینسکی (۲۰۱۹) روسیه هویتی بسته امنیتی که مبتنی نفی دیگر هویت‌ها است، سیاست خارجی این روسیه برگرفته از فرهنگ راهبردی این کشور در مناطق پیرامونی بسیار تهاجمی و امنیتی و با کوچکترین نفوذ باعث واکنش شدید مسکو می‌شود، نمود آن را می‌توان از گذشته یعنی زمان شوروی سابق در مداخله نظامی در مجارستان چکسلواکی تا زمان معاصر در اوکراین و گرجستان و بحران اخیر قفقاز جنوبی میان باکو و ایروان مشاهده کرد. غلبه رئالیسم با محوریت قدرت نظامی از دیگر مشخصه‌های این فرهنگ است که ریشه در تاریخ پر فراز و نشیب این کشور دارد از هجوم مغول‌ها، لهستانی‌ها و ناپلئون و هیتلر و خاطرات دوران جنگ سرد روس‌ها به صورت عملی اصول رئالیسم را آموخته و خودیاری را با تمام وجود درک کرده‌اند. رسالت باوری با رنگ بوی مسیحیت ارتدوکس که حاکی از استثناگرایی دینی نیز هست از دیگر ویژگی‌های این فرهنگ است در واقع حاکمان کرملین خود را ناجی اروپا و همین‌طور دنیا می‌دانند به‌طوری در مقابل تهاجم مغول و ناپلئون و هیتلر ایستادگی کردند و پایه‌گذار نظم نوین جهانی شدند. نظامی که از ۱۹۴۵ به بعد در دنیا حاکم است پس آنها نمی‌خواهند این نظم را از میان بردارند تنها می‌خواهد به جایگاه قبلی خود برگردند. در مقابل فرهنگ راهبردی ایران بسیار تدافعی است که از ویژگی‌های آن بدبینی به بیگانگان ناشی از تهاجم بیگانگان از تهاجم اعراب و ترکان سلجوقی، مغول‌ها و دسیسیه‌های دخالت‌های قدرت‌های بزرگ در سیاست داخلی کشور در ۲۰۰ سال گذشته است که اتفاقاً یک از سرچشمه‌های بدبینی ایرانیان، کشور روسیه است که در طول ۵۵۰ سال روابط دو جانبه در خاطر ایرانیان همراه با خاطرات بسیار تلخ می‌باشد. رفتار روسیه نسبت به ایرانیان همواره خصمانه، تحقیرآمیز و برتری جویانه توأم با دخالت و تاثیرگذاری در بسیاری از تحولات دوران ساز ۲۰۰ سال اخیر بوده، از جداسازی بخش اعظم خاک ایران تا سرکوب مشروطه خواهان از تلاش در تجزیه ایران در زمان استالین تا کمک به رژیم بعثی عراق و تجهیز این کشور و تدوام آن را نیز می‌توان در بدقولی در تکمیل نیرو گاه هسته‌ای و عدم تحویل به قوع تسلیحات خریداری شده دید.

ناامنی هستی شناختی از دیگر ویژگی‌های این فرهنگ راهبردی است که دوران گذشته ناشی از محاصر دشمنان قسم خورده منطقه‌ای بود و پس از انقلاب ۱۹۷۹ که دارای جنبه-

های ایدئولوژیک و مذهبی بود و جنبه بین‌المللی نیز به خود گرفت، در واقع تاکید بر صدور انقلاب، حمایت از مستضعفان، انتقاد از رژیم آپارتاید اسرائیل، تجدید نظرطلبی در مورد نظم مستقر، این امر را تشدید کرده است.

از طرفی روسیه بالعکس ایران به نظم موجود معتقد است. سنت‌گرایی فرهنگ استراتژیک روسیه در این مورد بررسی شده است که چشم انداز استراتژیک روسیه یادآور الگوی واقع-گرایانه آمریکایی از فرهنگ امنیتی است که در آن قرار دارد که در آن ذهنیت ابرقدرت، منافع ملی، حاکمیت و زورنقش عمده‌ای دارد. روسیه به اصل وستفالن سنتی، حق حاکمیت و مطلق بودن پایبند است. از نظر مسکو، هرگونه تلاشی برای تجدید نظر در این نظم خطرناک است. (Tesygankov, 2017)

ایران و روسیه در اوراسیا

هویت ملی روسیه تا حدود زیادی بر اساس جغرافیای آن است که به عنوان بخشی از تاریخ به معنای ایدئولوژیک درک می‌شود. تمام عناصر جغرافیایی روسیه که به دفاع از کشور کمک کردند اکنون ستایش شده و بخشی از تداوم اسطوره‌ای روح ملی اولیه را تشکیل می‌دهند. این امر منجر به روند مقدس سازی قلمرو کشور از نظر مذهبی (مقدس بودن خاک ارتدکس) و از نظر دنیوی (میراث اجداد و سنت‌های ملی) شد. بنابراین دفاع از سرزمین برای فرهنگ استراتژیک بسیار مهم است و جایگاه اصلی دارد. همه جنبه‌های دیگر ماهیت تبعی دارند. مرکزیت سرزمینی در فرهنگ سیاسی و استراتژیک روسیه نشانگر تلاش برای بازیابی قدرت ژئوپلیتیک (برای بازسازی غرور و عزت ملی ملی) است. با توجه به درگیری‌های نظامی روسیه در چچن، گرجستان و اوکراین نباید تعجب‌آور باشد - این بخشی از یک طرح بزرگتر است - به دست آوردن آنچه که متعلق به روسیه متعلق به روسیه تلقی می‌شود و فقدان آن تهدیدی برای علت روسیه امنیت کشور از نظر داشتن مناطق نفوذ در نزدیکترین محله که برای احیای قدرت کشور ضروری است نیز درک می‌شود. امنیت روسیه شرطی شده با ژئوپلیتیک، نگرانی‌هایی را در میان کشورهای همسایه ایجاد می‌کند که رفتار روسیه را ماهیتی نئوامپراتوری و تهاجمی می‌دانند. جغرافیا و در نتیجه مسائل فرهنگی و سنتی نقش مهمی در ایجاد هویت روس بازی می‌کند، بنابراین فرهنگ استراتژیک آن نیز نقش دارد. (Antczak, 2018) در سراسر "اوراسیای بزرگ" و از طریق بسترهای غیرمستقیم، مانند مثال سخنانی پوتین در اجلاس BRICS و جلسه شورای روسای کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای (SCO) و اتحادیه اوراسیا در سال ۲۰۱۵ به‌طور خاص، پوتین اظهار داشت: "فضای اوراسیا برای روسیه یک تخته شطرنج

برای بازی‌های ژئوپلیتیکی نیست، بلکه خانه‌ای است که در آن باید سعادت و صلح حاکم باشد [...] در حالی که این روایت به طور مستقیم با اتهامات "غربی" روسیه به تنهایی تضاد ندارد. (akchorina&delalasala,2019) همچنین مسکو با حضور «جریان ساز» هیچ کشوری در روندها و نهادهای منطقه‌ای این حوزه از جمله در سازمان شانگهای (که ایران خواهان عضویت در آن است موافق نیست؛ زیرا نقش برتر آن به چالش کشیده خواهد شد. رویکرد محتاطانه آن به چین و نگاه ابزاری‌اش به سایر اعضای این سازمان مؤیدی بر این مدعاست؛ لذا در صورتی که الحاق ایران (که حائز برداشته‌های متفاوتی از مفاهیم امنیتی و روندهای منطقه‌ای است) به روندها و سازمان‌های منطقه‌ای، نظم روسیه محور آنها را با مشکل مواجه کند، بی‌تردید مسکو مخالف چنین عضویتی خواهد بود. البته در این مخالفت عوامل دیگری چون نگرانی از سرایت اختلافات تهران با غرب به این سازمان نیز دخالت دارد که در جای خود قابل تأمل است. (عسگریان، ۱۳۹۴: ۴۹)

- روابط اقتصادی

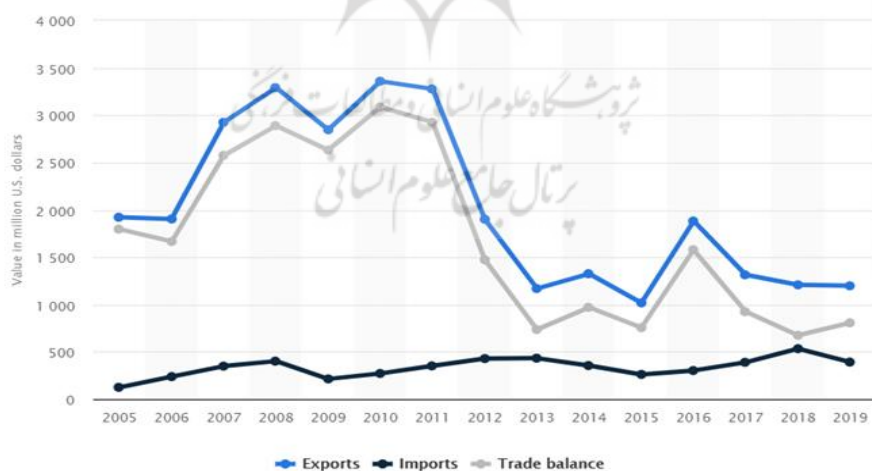
روسای جمهور ایران و روسیه و مقامات دولتی بارها ابراز علاقه کرده‌اند که روابط تجاری متقابل را گسترش دهند زیرا هر دو کشور تحت فشار تحریم‌های غربی قرار دارند. اما علیرغم شور و شوق نشان داده شده از سوی دولتهای ایران و روسیه برای تقویت تجارت دو جانبه به ویژه با توجه به تحریم‌های شدید اقتصادی که توسط ایالات متحده، اتحادیه اروپا و سایر کشورها علیه روسیه به دنبال بحران سال ۲۰۱۳ اوکراین اعمال شد که به دنبال آن تماماً تحریم‌هایی توسط پوتین اعمال شد. واردات مواد غذایی از بسیاری از کشورها، موانعی مانند عوارض بالای واردات و عدم وجود مسیرهای مستقیم تجارت (هوا، دریا یا جاده) در راه تحقق این هدف بوده است. روسیه با تکیه بر واردات مواد غذایی، ماشین آلات، داروها، پارچه و پلاستیک، چاره‌ای جز جستجوی بازارهای جایگزین ندارد.

در سال ۲۰۱۳، روسیه تقریباً ۳۵۰ میلیارد دلار محصولات وارداتی خریداری کرد. با این حال ایران کمتر از ۱٪ واردات روسیه را به خود اختصاص می‌دهد. (financialtribune,2015) طبق آخرین اطلاعات منتشر شده از سوی اداره گمرک سوی جمهوری اسلامی ایران ۲۱۳،۸۸۶ تن به ارزش ۸۷.۸۴ میلیون دلار با روسیه در نخستین ماه ایران سال ۹۸ (۲۱ مارس - ۲۰ آوریل) معامله کرد و ۴۸.۴۵٪ افزایش تناژ و کاهش ارزش ۵۴.۶۱٪ در مقایسه با سال گذشته را ثبت کرد. (financialtribune,2019) روسیه یازدهمین شریک تجاری ایران در این دوره بود. میزان صادرات ایران به روسیه ۶۵ هزار تن به ارزش ۲۵.۷۱ میلیون دلار بوده است تا ۱.۷۷

درصد افزایش تناژ و ۸.۵۸ درصد کاهش نسبت به سال قبل داشته باشد. روسیه سیزدهمین مقصد صادراتی ایران در جهان بود. ایران طی ماه جاری کیوی، گوجه فرنگی، کلم، پسته و لبنیات را به روسیه صادر کرد.

روسیه ۱۴۸ هزار و ۳۸۶ تن کالایی به ارزش ۶۲.۱۲ میلیون دلار به ایران صادر کرده است که نسبت به تناژ ۸۶.۱۵ درصد و در ارزش YOY 62.44 درصد کاهش داشته است. روسیه دهمین صادر کننده کالا به ایران در این دوره بود. روسیه تقریباً ۳ درصد کل واردات ایران را در سال ۲۰۱۸ پوشش داده است، در صورتی که ایران تنها ۰.۲ درصد از واردات روسیه را در همین سال در اختیار داشته است. محصولات صادراتی استراتژیک روسیه به ایران شامل ماشین آلات، ذرت، جو، روغن آفتابگردان، روغن سویا، چوب اره شده و گوشت قرمز، و محصولات صادراتی استراتژیک ایران به روسیه شامل پسته، میوه‌هایی مثل سیب، گوجه، خیار، هلو، گیلاس و کیوی و همینطور کشمش و محصولات لبنی بوده است. (financialtribune,2019,a)

با توجه به آمار و تشابهات صادرات و واردات (EIS) طی سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ می‌توان نتیجه گرفت که ایران و روسیه دارای سطح تکمیل کننده بالقوه کمی هستند و سطح پایین EIS این را نشان می‌دهد که نقش رقابتی تجاری طرفین پررنگ تر از سطح تجارت دوجانبه است. (J. Karami,2018)



نمودار شماره ۱: ارزش تجارت کالاهای روسیه (صادرات، واردات و تراز تجاری) با ایران از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ (financialtribune,2019)

گسترش روابط اقتصادی ایران و روسیه را می‌توان در سه جنبه ساختاری، فرهنگی و سیاسی طبقه بندی کرد. در این میان موانع ساختاری نقش مهم‌تر و پررنگ‌تری در گسترش نیافتن روابط اقتصادی دو کشور ایران و روسیه داشته‌اند. غلبه نگاه امنیتی بر روابط ایران با قدرت‌های بزرگ، مشکل روابط ایران و روسیه دیده می‌شود.

نگاه امنیتی به روابط خارجی سبب بی توجهی به امور اقتصادی در روابط دو کشور شده است. در سال‌های گذشته روابط ایران و روسیه با یکدیگر بیشتر ماهیتی غیرمادی و هویتی داشته است. نیازهای غیرمادی با وجوداهمیتی که دارند، قابل قطع شدن هستند. پیوندهای مادی می‌توانند روابط را تداوم بخشند و مستحکم کنند. ایران و روسیه در یک دوره تاریخی از نظر هویتی و برای شناسایی از سوی دیگران به یکدیگر نیاز داشتند سپس این احساس نیاز برای هر دو طرف کمرنگ شد، زیرا شرایط برای هر دو کشور تغییر کرد تمایل به غرب در نظر مردم هر دو کشور، نگاهی به جامعه آرمانی است. سطح بالای فناوری و رفاه غربی سبب می‌شود کمتر به شرق توجه داشته باشند. هر دو کشور ایران و روسیه به فناوری غرب نیازمند هستند. (کولایی، عابدی، ۱۳۹۷: ۲۳۶)

ایران و روسیه در بازار انرژی

علیرغم افزایش همکاری‌های ایران و روسیه در اکثر زمینه‌ها بعد از دوره فروپاشی شوروی، الگوی روابط این دو کشور در زمینه تأمین انرژی جهانی متأثر از وضعیت طبیعی و استراتژیک در قالب رقابت توصیف می‌گردد. این امر به‌ویژه بعد از تحریم‌ها و توافق با قدرت‌های بزرگ به نظر می‌رسد روند افزایشی نیز به خود گیرد. بهبود روابط با غرب و تنش‌زدایی مسأله هسته‌ای، ایران را به‌عنوان یکی از رقبای جدی عرصه نفت و گاز و انرژی هسته‌ای مطرح خواهد نمود. این تحولات علاوه بر بازگشت ایران به جایگاه مهم انرژی منطقه و جهان، موقعیت ویژه روسیه در صادرات انرژی به‌ویژه گاز طبیعی و سوخت هسته‌ای را نیز به چالش خواهد کشید.

روابط سیصد سال گذشته دو کشور ایران و روسیه همواره تابع شرایط رقابتی بوده است. این رقابت، چه در حوزه‌های سرزمینی و چه در حوزه معادلات ژئوپلیتیک و اخیراً نیز در حوزه انرژی (گاز) مشهود است. همکاری ایران و روسیه ظاهر قضیه تعاملات سیاسی این دو کشور بوده ولی در واقع روسیه به ایران به عنوان یک رقیب بالقوه نگریسته و از ورود و حضور ایران در فعالیت‌های مرتبط با صدور و ترانزیت انرژی در منطقه جلوگیری می‌کند. (اصولی، ۱۳۹۲: ۸-۳) روسیه انرژی را یک ابزار سیاسی مهم و نیروی محرکه توسعه اقتصادی خود می‌داند. افزایش قیمت نفت سبب فعالیت دوباره روسیه در بخش انرژی شد. این گرایش برای نفوذ

بیشتر روسیه در سراسر آسیای مرکزی، برتری جویی در حوزه حمل و نقل به شرق آسیای مرکزی و جلوگیری از تلاش‌های قدرت‌های خارجی در ساختن خط لوله‌های خارج از کنترل روسیه بازتاب یافته است. (کولایی و الله مرادی، ۱۳۹۰: ۳۲)

اتحاد استراتژیک ایران و روسیه

مهمترین ویژگی‌های شکل دهنده و کارکردی یک اتحاد را میتوان به این ترتیب بیان کرد: وجود تهدید مشترک، ادراک مشترک از آن، اراده لازم برای مقابله و سازوکارهای قراردادی و تفاهمی برای همکاری، ارتباطات سازمانی، اطلاعاتی و عملیاتی برای اقدام مشترک و هماهنگی دیپلماتیک برای اعلام و هشدار نظامی. همکاری راهبردی دو کشور را باید از طریق تفکیک مفاهیم اتحاد راهبردی با مشارکت راهبردی و تعریف امر راهبردی تشخیص داد. امر راهبردی مفهومی است که به مسائل حیاتی و امنیتی و بلندمدت و در یک محیط رقابتی اطلاق می‌شود. اتحاد راهبردی، عالی‌ترین سطح همکاری دو یا چند دولت در برابر تهدید مشترک برای زمانی طولانی و در چارچوب توافقات و مکانیسم‌های دقیق است، اما مشارکت راهبردی می‌تواند همکاری در مقابل تهدید مشترک در یک موضوع و مقطع خاص باشد. نظر به اینکه این سطح از همکاری ویژگی بلندمدت ندارد اطلاق واژه راهبردی برای آن دقیق نیست، مگر آنکه این مشارکت در موارد مشابه تکرار شود. (کرمی، ۱۳۹۷) لازم است پیش شرط‌هایی برای به وجود آمدن اتحاد استراتژیک بین دو دولت وجود داشته باشد:

الف) درک عمیق نسبت به ضرورت، شدت و اولویت این روابط بین دو طرف. این شرط با سفرهای مکرر مقامات دو طرف، اظهار نظرهای مشترک در خصوص مسائل مختلف، حجم بالای روابط اقتصادی، دسترسی به بازارهای یکدیگر و سرمایه‌گذاری اقتصادی قابل شناسایی است.

ب) وجود رابطه نهادینه شده بین دو دولت و دو ملت به نحوی که همکاری در بخش‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی به سهولت انجام پذیرد و تداوم داشته باشد.

ج) وجود حس همدلی و هم دردی ملی میان متحدین که نشان از اعتماد و وفاداری آنها به یکدیگر دارد. (دولت آبادی، ۱۳۹۸) به باور بسیاری از کارشناسان روابط ایران و روسیه، دو دسته عوامل داخلی و خارجی را موانع اصلی گسترش همکاری‌های دو کشور می‌دانند. نبود همپوشانی اقتصادی و اقتصادهای وابسته ایران و روسیه به اقتصادی ایران و روسیه، با هدف ایجاد یک شبکه مستحکم ارتباطی در بلند به عبارت دیگر ایران تلاش می‌کند از روابط همه جانبه با روسیه سود بیشتر ببرد و هزینه کم‌تر بپردازد. (کولایی، عابدی، ۱۳۹۷: ۲۹۷)

در رویکرد روسیه به ائتلاف‌سازی خارجی، باید ابتدا به عنصر مهم رفتار ساز در گفتمان حاکم بر سیاست خارجی این کشور توجه کرد: اولین و مهمترین عنصر رئالیسم و تسلط آن بر اندیشه و عمل رهبران کرملین است آنها به ویژه در موضوعات سخت، ژئوپلیتیکی و امنیتی چون توازن قوا، مواردی چون: تعهد به اصول اولیه این رهیافت یعنی خودیاری، اعتقاد به ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل و عدم امکان تعامل گسترده در این عرصه را به خوبی نشان داده‌اند. بر این اساس، از یک سو، روسیه را در رقابت و تقابل دائم با سایر قدرت‌ها به ویژه آمریکا برای بسط و ممانعت از قبض مزیت‌های خود در محیط خارجی می‌بینند و از سوی دیگر، مهمترین تکیه گاه را در این کارزار، داشته‌های خود می‌دانند و به شرکای خارجی بی‌اعتمادند.

از این دید، هرچند مسکو از تأثیر محدود شریک خارجی بهره می‌گیرد، نگاه راهبردی به یاوری «دیگران» ندارد. پوتین با تأکید بر اینکه «روسیه امروز دوره جدیدی را آغاز کرده به گذشته باز نمی‌گردد و وارد هیچ اتحاد مقدسی نخواهد شد»، این رویکرد رئالیستی را مورد تأکید قرار داد. او همچنین در پاسخ به این سؤال که آیا روسیه در بحران اوکراین «متحدی» دارد، به جمله معروف الکساندر سوم اشاره کرد که «روسیه دو متحد دارد: ارتش و نیروی دریایی. عدم اعتقاد به ائتلاف خارجی بلند مدت، تأکید بر اثرمندی بیشتر «بزار» به جای «شریک» و گاه عدم تفکیک میان این دو مفهوم نه تنها در کلام سیاسیون روس، بلکه در منابع علمی این کشور از جمله در تکرار این کلیه معروف رئالیستی که در عرصه بین‌المللی دوست و دشمن وجود ندارد، بلکه فقط منافع وجود دارد نیز به چشم می‌خورد. (عسگریان، ۱۳۹۴: ۳۵)

در جایی دیگر ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه ضمن تأکید بر اهمیت زیاد ایران برای روسیه، می‌گوید: روسیه با همه کشورها و با آمریکا برای ایجاد یک جهان امن همکاری می‌کند، اما این به معنای همکاری علیه کشور دیگری نیست، «ما نمی‌خواهیم در هیچ اتحاد و ائتلاف مقدسی وارد شویم». زمینه دیگر رقابت با همکاری روسیه و ایران در آسیای مرکزی مسئله انتقال انرژی این منطقه است. همکاری ایران و روسیه ظاهر قضیه تعاملات سیاسی این دو کشور بوده ولی در واقع روسیه به ایران به عنوان یک رقیب بالقوه نگرسته و از ورود و حضور ایران در فعالیت‌های مرتبط با صدور و ترانزیت انرژی در منطقه جلوگیری می‌کند. (اصولی، ۱۳۹۲: ۸-۳)

«ریچارد هرمان» نیز روابط و سیاست خارجی دو کشور را براساس ادراکات (perception)،

«تصویراته (imagas) و «ایستارها» (attitude) مورد بررسی قرار داده است. وی بر این اعتقاد است که مؤلفه‌های یاد شده در بر گیرنده نشانه‌های هنجاری در سیاست خارجی کشورها است. اگر اینگونه ادراکات و نگرش‌ها با یکدیگر در تعارض باشند، طبیعی است که رفتارهای سیاسی و الگوهای کنش آنان با یکدیگر سازنده نخواهد بود. از سوی دیگر، اگر نشانه‌هایی از همکاری و مشارکت نیز ایجاد شود، اینگونه رفتارها ماهیت تاکتیکی، تغییر پذیر و دگرگون شونده خواهد داشت. (متقی، پوستین چی، ۱۳۹۰: ۳۳۲-۳۲۶)

نتیجه‌گیری

ایجاد یک اتحاد استراتژیک، عمیق و بلند مدت میان دو ملت، در درجه اول نیازمند وجود اعتماد قوی به یکدیگر است که این امر نیز در صورتی ممکن است که ادراکات و ذهنیت طرفین به یکدیگر کاملاً مثبت بوده و نوعی سنخیت فرهنگی وجود داشته باشد، موضوعی که در تعاملات ایرانی - روسی مشاهده نمی‌شود. اگرچه تحت برخی مقدرات و فشارهای سیستمی و محیطی ممکن است بین دو یا چند کشور برخی همکاری‌ها گسترش یابد و در سطح پیشرفته نوعی اتحاد ایجاد گردد ولی چنین اتحادی همواره شکننده و سست خواهد بود. زیرا زیربنای فکری و فرهنگی تعارضی همواره می‌تواند نیروهای شکاف و واگرایی را فعال نماید و موجب جلوه نمودن هویت اصلی و حقیقی کنشها گردد. در مورد ایران و روسیه نیز می‌توان گفت که اگرچه در دوره پس از شورای همکاری‌ها در برخی حوزه‌ها رشد پیدا کرده است ولی همواره و در تمام مراحل تعاملات، عنصر ذهنیت و ادراکات ایرانی مانع از اعتماد کامل ایران به روسیه می‌گردد. (حاج یوسفی، ۱۳۹۶)

ایران با سابقه ۳۰۰۰ ساله تمدنی موقعیت ژئوپلیتیکی و زمینه پشوانه غنی فرهنگی ایرانی اسلامی از پتانسیل بسیار زیادی برای تاثیرگذاری بر آسیای مرکزی و قفقاز دارد. روسیه ایران هر دو منتقدان یکجانبه‌گرایی آمریکا هستند که پس از فروپاشی شوروی ایجاد شد. در واقع این نکته جدی‌ترین عامل همکاری‌های ایران روسیه است ولی نباید توجه کرد دیدگاه دو کشور علی‌رغم تشابه بسیار، تفاوت جدی دارد در واقع روسیه خود را وارث نظم یالتایی بعد از جنگ جهانی دوم می‌داند ولی جمهوری اسلامی نگاهی شالوده شکنانه به این نظم دارد بنابراین روسیه نمی‌خواهد سطح تنازعات و انتقادات از حد خاصی فراتر رود از طرفی سیاست چند برداری روسیه طوری طراحی تنظیم شده، همانطور که روابط روسیه ایران برای حاکمان کرملین مهم است، روابط مسکو با ریاض و اسرائیل نیز اهمیت دارد. شاید اگر از روابط راهبردی بخواهیم نام ببریم روابط مسکو تل اوپو در منطقه به این تعریف نزدیکتر باشد. نزدیکی فرهنگی، روابط

همه جانبه اقتصادی و سیاسی از جمله فاکتورهایی است که این دو کشور از آن بهره مندند. جمهوری اسلامی ایران با ایجاد تنگنای ایدئولوژیک در سیاست خارجی خود نتوانسته از پتانسیل‌های ملی و اسلامی خود به درستی استفاده کند و در یکی حالت جبری مجبور به همکاری-های تاکتیکی با رقیب منطقه‌ای خود شده که این عامل باعث خارج شدن ابتکار عمل از دست ایران و دنباله روی، چشم‌پوشی از بسیاری موارد در آسیای مرکزی و قفقاز شده؛ مانند جریان انتقال انرژی، تقسیم دریای کاسپین و نفوذ فرهنگی و اقتصادی. در حالیکه کشوری مانند ترکیه به علت نداشتن این موانع توانسته سیاست خود را با اعتماد نفس بالا به روسیه دیکته کند و ایران را از مناسبات منطقه ای کنار بگذارد.



منابع:

کتاب

- الهه کولایی، عفیفه عابدی (۱۳۹۷)، جمهوری اسلامی ایران در ادراک‌های رهبران روسیه، تهران، جهاد دانشگاهی
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۷۲)، تاریخ روابط روس و ایران، تهران، بنیاد افشار یزدی
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت
- (۱۳۹۴)، نظریه‌ها و فرانظریه در روابط بین‌الملل، تهران، نشر مخاطب
- عسگریان، حسین (۱۳۹۴)، چشم انداز روابط ایران و روسیه، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۶)، نظریه‌ها و رویکردها در روابط بی‌الملل، تهران، سمت
- (۱۳۹۳)، کاربرد نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات دنیای اقتصاد
- کولایی، الهه (۱۳۸۵)، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه
- (۱۳۹۲)، سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی، چاپ پنجم، تهران، سمت
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت
- ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

مقالات

- الهه کولایی، الهه مرادی (۱۳۹۰)، سیاست انرژی روسیه در آسیای مرکزی، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۱
- باقری دولت آبادی، علی (۱۳۹۸)، دلایل عدم شکل‌گیری اتحاد میان ایران و روسیه، مطالعات تاریخی جنگ؛ فصلنامه علمی پژوهشی دوره سوم، شماره اول (پیاپی ۷)، بهار ۱۳۹۸
- حمیرا مشیرزاده، مجید کافی (۱۳۹۷)، نگاهی دیگر به مبانی روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ راهبردی در دهه ۱۳۵۸-۱۳۶۸، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، تابستان، شماره ۳۵
- عسگری، محمود (۱۳۹۷)، فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران؛ عوامل و ویژگی‌ها، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۶۱
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۷)، فرهنگ استراتژیک روسیه، دو فصلنامه ایراس، سال سوم، شماره ۳
- قاسم اصولی، رویا رسولی (۱۳۹۲)، روابط ایران و روسیه: فرصت‌ها، چالش‌ها و سازوکارهای بسط

روابط، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۷، شماره ۱

- کرمی، جهانگیر (۱۳۹۷)، ایران و روسیه در گذر تاریخ محیط امنیتی و مسأله تهدید و اتحاد، فصلنامه تاریخ روابط خارجی سال نوزدهم، شماره ۷۵، تابستان

English Resources

Book

- Antczak, A. (2018), **RUSSIA'S STRATEGIC CULTURE: PRISONER OF IMPERIAL HISTORY?** Russia in Afghanistan and Chechnya: Military Strategic Culture and the Paradoxes of Asymmetric Conflict. Carlisle: Strategic Studies Institute, Army War College
- Ermarth, F. (2009), **Russian Strategic Culture in Flux: Back to the Future?** In: J. Johnson, J.A. Larsen, & K.M. Kartchner (eds.), *Strategic Culture and Weapons of Mass Destruction: Culturally Based Insights into Comparative National Security Policymaking* (pp. 85–96). New York: Palgrave Macmillan
- Gray, C. S. (2009), **Out of the wilderness: Prime time for strategic culture.** In Jeannie L. Johnson, Kerry M. Kartchner, & Jeffrey A. Larsen (Eds.), *Strategic culture and weapons*
- Snyder J. (1977), **The Soviet Strategic Culture Implications for Limited Nuclear Operations** Santa Monica RAND, Co. p.8.
- Van Herpen, M.H. (2015), **Putin's Propaganda Machine: Soft Power and Russian Foreign Policy.** Lanham: Rowman & Littlefield Publishers.

Article

- Eitelhuber, Norbert (2009), **The Russian Bear: Russian Strategic Culture and What it Implies for the West**, CONNECTIONS, The Quarterly Journal, Volume IX, Number 1, Winter, Partnership for Peace Consortium of Defense Academies and Security Studies Institutes
- Ivić, S. (2016), **The Clash of Civilizations?** Russia vs. the West, or Conservative vs. Liberal Political Paradigms. NDC Magazine Vox Collegii, 13
- Malksoo, Maria (2015), **Memory Must be Defended**, Beyond the Politics of Menmonical Security, Security Dialogue 46(3)
- Skak, M. (2016), **Russian strategic culture: the role of today's chekisty**, Contemporary Politics, 22(3)

Site

- Findlater, Euan (2020), Islamic Republic of Iran's Strategic Culture and National Security Analysis, Available at: <https://smallwarsjournal.com>
- Kazharski, A (2019), **Civilizations as Ontological Security?** Problems of Post-Communism article: Available at: <https://doi.org>
- Lauterbach, Toby (2011), **Constructivism, Strategic Culture, and the Iraq War**, available at: <https://www.airuniversity.af.edu>